

متن پرسش

سلام علیکم: پیش از این، اگر با کسی سر انقلاب و نظام بحثی پیش می‌آمد، برآشفته می‌شدم و حتی فشار جسمی و دل مشغولی پیدا می‌کردم و از اینکه سخنانم تاثیر ندارد، ابراز ناراحتی می‌کردم. چند وقتی هست که بتدریج الحمدلله در صحبت سر این مسائل، گویی ظرفیت و صبر و تحلیل ام با آرامش و تانی بیشتر است و ممکن است با بسیاری سخنان مخالفت کنم ولی دیگر سخنان خودم را حد تذکر و باز کردن مسیری برای تدبیر و اینکه خواه فرد دریابد مفهوم سخنم را یا نه و اگر قبول هم نکرد، من ناراحت نشوم و با خود چالش نکنم که دوست داشتن انقلاب غلط است و جای دفاعی نیست و ظاهری عاری از روح انقلاب مانده و از این دست حرفها. البته امیدوارم این آرامش و اعتماد، از نوع چشم پوشی بر حقایق و توجیه گری و پافشاری های بیجا و بی جهت نباشد و نوعی از فرار پاسخ در برابر دفاع و دوست داشتن انقلاب باشد و کمی نگرانم به این حالت برسم و نکند این آرامش همین بی توجهی و چشم پوشی است و باعث می‌شود خود را در راه راست و هدایت که از بقیه فاصله گرفته و در مسیر می‌خواهد برود و همان فضا را دریابد، باشد. ولی استاد، واقعاً حتی اگر کمی حالتی و اصول اعتقادی و زیربنای تعقل و تدبیر ام درباره ارادت و دوست داشتن و حضور در انقلاب به هم بخورد و متزلزل شود و فکر کنم که دیگر انقلاب محبوبیتی ندارد و آن شمع سوزان، خاموش شده، باز به خودم می‌گویم راهی مگر غیر انقلاب اسلامی برای شناخت و تحقق عملی اسلام هست و مگر جایی غیر از ذیل مدیریت ولی فقیه، روند جامعه روند حریت و توکل و پذیرش ولایت الهی و اولیاء اش و نجات جان و نفس ما از سرگردانی می‌شود؟ واقعاً گویی نفسم با انقلاب گره خورده و حس می‌کنم گسستگی نیست و نمی‌توانم رهایش کنم و بشدت می‌خواهم در آن راه باشم و اگر رهایش کنم غم بزرگی برای خودم هست که به نظر خودم انقلابی را رها کردم که بین الطلوعین تاریخ و نقطه عطف مبارزات انبیا و اولیا است و ثمر آن زحمات و خون دل خوردن ها و هدایتگری هاست و مگر می‌شود شریعت را بعنوان مسیر بزرگ زندگی انتخاب کرد و آنوقت انقلابی را با تمام جان نسبت به آن محبت و مودت نداشت که همان نور در آن است و صبح صادق همان طلوع تاریخی حق و بعثت تاریخی انسانها است. نمی‌دانم شاید این حرفهایم هم که نوعی تسکین خود باشد ولی واقعاً از عمق وجودم برآمده و با تمام محبت گفتم و جانم واقعاً گره خورده با انقلاب است. امیدوارم تسکین و به خود القا کردن و توجیه نباشد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: گفت: «شکر بسیار که ما عاشق این انجمنیم». به همان اندازه که نمی‌توانیم بدون خدا زندگی کنیم، با خدایِ مفهومی هم نمی‌توان به سر برد و باید با خدا در مظاهرش مأنوس بود و امروز، یکی از عالی‌ترین مظاهر حضرت محبوب، انقلاب اسلامی است و ملاحظه کرده‌ایم و کرده‌اید چگونه شهدای عزیز برای درآغوش گرفتنِ خدا، خود را در این عالی‌ترین مظهر فدا کردند؛ یقیناً امروز تنها راهی که برای اُنس با خدا نمی‌توان از آن غفلت کرد، رجوع و نظر به انقلاب اسلامی است و همچنان که عرض شد: «شکر بسیار که ما عاشق این انجمنیم».

در رابطه با گفتگو با بقیه، ما متوجه‌ی راهی هستیم که به سوی حقیقت گشوده شده است و سعی می‌کنیم به عنوان چشم‌اندازی جهت تفکر در این زمانه متذکر آن باشیم. حال اگر «از همه محروم‌تر خفاش بود/ که عدوی آفتابِ فاش بود» خود دانند! موفق باشید